نگاه

### درحاشیه مرگ دلخراش بنیتا

## چند نفر به یک نفر!

ناصر جهانفر

- خواستم چندروزی از ماجرای تلخ و هولناک دختربچه‌ای هشت‌ماهه به نام بنیتا سپری شود و هیجانات طبیعی و غیرطبیعی و کاذب فروکش کند و التهابات بخوابد، بعد یادداشتی برای این حادثه تلخ بنویسم.

- ماشینی سرقت می‌شود، غافل از اینکه بچه‌ای داخل آن است. دزد بی‌وجدان متوجه حضور بچه در ماشین می‌شود ولی بی‌خیال آن می‌شود، سرقت وسایل داخلی آن را انجام می‌دهد و با علم به اینکه موجود زنده‌ای داخل ماشین نفس می‌کشد و زنده است و گریه می‌کند و ضجه می‌زند، ماشین را به همراه بچه داخل آن در حاشیه خیابان پارک می‌کند و می‌رود دنبال کار خودش؛ به همین راحتی و به همین سادگی!

- احتمالا رهگذرانی از کنار ماشین در این چند روز رد شده‌اند؛ حتی زمانی که بچه از فرط گرما، تشنگی و گرسنگی ضجه می‌زد و حتی بعد هم که تسلیم مرگ می‌شود، او را دیده‌اند ولی بی‌تفاوت بوده و خم به ابرو نیاورده‌اند و مثل سارق بی‌رحم و سنگدل، بی‌تفاوت و بی‌خیال از کنار موضوع گذشته‌اند و شاید با عبارت «به من چه» یا «چرا من خودم را به دردسر بیندازم» یا «حتما شخص یا اشخاص دیگری او را پیدا می‌کنند» و... برای لحظاتی خود را بخشیده‌اند و تبرئه کرده‌اند و گفته‌اند «دیگری برمی‌دارد».

- قصورات دستگاه‌های متولی باشد برای مجالی دیگر که حتما داشته‌اند.

- روی سخنم با شهروندان است. چرا این‌قدر بی‌تفاوت؟ چرا این‌قدر بی‌مسئولیت؟ این یعنی شراکت در جرم شخص دیگری و به معنایی مباشرت و معاونت در قتل بنیتا. چند نفر به یک نفر، مگر غیر از این بود که بنیتا دختربچه‌ای هشت‌ماهه بیشتر نبود بدون هیچ‌گونه دفاعی از خود. انصافتان را شکر؛ همین گرمای بالای ۶۰ درجه داخل ماشین را چندنفرمان برای چند دقیقه می‌توانستیم تحمل کنیم؟ واقعا چه شده است که از کنار موضوعات قابل تأمل به‌راحتی و بی‌تفاوت رد می‌شویم یا بلافاصله هنرمندانه ولی منفعلانه عکس و فیلم تهیه می‌کنیم. بدون اینکه به فکر کمک و یاری به ماوقع باشیم. از سرگردانی بچه‌گربه مریض در حاشیه خیابان تا فروریختن ساختمان ۱۷طبقه پلاسکو، همه جا حضور داریم، اصلا آقا و خانم دوربین خود ماییم!

- کمی نگاه جامعه‌شناسانه به قضیه عکس و فیلم بیندازیم. خروجی این عمل غیر از این نیست که می‌خواهیم حضور خودمان را به هر شکل ممکن اثبات کنیم. می‌خواهیم اظهار وجود کنیم، می‌خواهیم بگوییم من خودم آنجا بودم. چون من خودم آنجا بودم، پس کسی هستم ولی به بدترین شکل ممکن. چیزی که مهم است این است که ۱- من ۲- حضور من ۳- من مطلع و دانا و همه‌چیزدان؛ والسلام.

- چند ماه پیش خودم شاهد تصادفی در منطقه پل حصارک کرج بودم؛ به فاصله چندمتری، ماشینی با یک موتورسوار به‌شدت برخورد کرد، موتورسوار روی آسفالت داغ خیابان افتاد خونین و نالان، نزدیک به موت و جان‌دادن بود. سرنشینان ماشین جلویی من که یک پژو ۲۰۶ بود و همگی خانم و خیلی هم شیک‌پوش بودند، بی‌توجه به راهبندانی که ایجاد کرده‌اند، ماشین خود را متوقف کردند و بلافاصله پیاده شدند. باور کنید ابتدا فکر کردم آنها پزشک یا حداقل پرستار بیمارستان هستند و برای کمک به مصدوم در حال مرگ، به صورت واکنش سریع پیاده شده‌اند ولی چشمتان روز بد نبیند؛ بلافاصله همگی یک گوشی آخرین مدل از کیفشان درآوردند و به فیلم‌برداری از صحنه جان‌دادن موتورسوار مصدوم مشغول شدند...!

من ماندم و دریایی از پرسش و عباراتی که در سرم جولان می‌داد، کرامت انسانی، وظیفه انسانی، حس نوع‌دوستی و کمک به هم‌نوع و از این قبیل... .

- راستی چند درصد از ما مردم شب‌ها با وجدان آسوده می‌خوابیم و زندگی‌مان را می‌کنیم؟

آدم گاهی شرمنده آمار و اعداد می‌شود. نگوییم چند درصد، سنگین‌تریم!

«ریگی از روی زمین برداریم
وزن بودن را احساس کنیم»

**عزت زیاد**

خبر

## دریاچه ارومیه قربانی گرفت

● **میزان:** فرمانده انتظامی ارومیه از غرق‌شدن جوان ۱۹ساله در دریاچه ارومیه خبر داد. سرهنگ حسین صمدپور گفت: روز یکشنبه، گزارشی به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر غرق‌شدگی یک نفر در دریاچه «ارومیه» اعلام شد. وی افزود: با اعلام این خبر بلافاصله تیم‌های امدادی و مأموران انتظامی در محل حادثه حاضر شدند و مشاهده کردند جسد جوان ۱۹ساله‌ای روی آب شناور است. این مقام انتظامی بیان کرد: شاهدان حادثه عنوان کردند فرد حادثه‌دیده برای شنا داخل آب رفته بود. سرهنگ «صمدپور» اظهار کرد: با تلاش گروه‌های امدادی و مأموران انتظامی، جسد متوفی از آب خارج و برای بررسی بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شد.

# بازداشت سومین متهم در پرونده قتل بنیتا

### متهم ردیف اول: پایم به زندان برسد، خودکشی می‌کنم

**شرق:** سومین متهم پرونده قتل بنیتا کودک هشت‌ماهه که از سوی مأموران بازداشت شده بود، به دادگاه معرفی شد. این در حالی است که متهم ردیف اول نیز تهدید به خودکشی کرد.

به گزارش خبرنگار ما، روز گذشته متهمان پرونده بنیتا در حالی برای تعیین وکیل در دادگاه حاضر شدند که متهم دیگری به این پرونده اضافه شده بود. متهم جدید که فروشنده مواد مخدر و مال‌خر است، روز حادثه بنیتا را همراه متهمان که برای تهیه مواد مخدر به او مراجعه کردند، دیده بود؛ اما دراین‌باره با پلیس تماس نگرفت و سکوت کرد. خانواده این متهمان بارها با وکلای مختلفی درباره این پرونده تماس گرفته‌اند؛ اما هیچ‌یک از آنها حاضر به قبول وکالت این متهمان نشده‌اند. متهم ردیف اول این پرونده مدعی شد قصد کشتن این کودک هشت‌ماهه را نداشته است؛ اما به دلیل رسانه‌ای‌شدن این موضوع به قتل عمد متهم شده است. او همچنین ادعا کرد اگر بتواند قبل از اینکه پای چوبه دار برود، خودش را خواهد کشت. گفتنی است ساعت ۱۱:۳۰ صبح پنجشنبه، ۲۹ تیر سال جاری، پدر جوانی همراه دختر هشت‌ماهه‌اش به نام بنیتا سوار بر خودروی پراید از داخل پارکینگ خانه در خیابان مُطلبی منطقه مشیریه خارج شدند. پدر بنتیا درحالی‌که خودرو روشن بوده، برای بستن درِ پارکینگ از خودرو پیاده شد و چند لحظه بعد خودرو و بنیتای هشت‌ماهه در مقابل چشمان پدر به سرقت رفتند. بلافاصله تیم کارآگاهان جست‌وجوی خود را برای پیداکردن این دختر هشت‌ماهه آغاز کردند تا اینکه چند روز بعد توانستند سرنخ‌هایی از محل این سارقان به دست بیاورند و بلافاصله خود را به محلی که سارقان خود را مخفی کرده بودند، برسانند و آنها را بازداشت و بازجویی کنند. متهم اصلی که دارای سوابق متعدد کیفری است و به‌تازگی از زندان آزاد شده، در اعترافات اولیه به کارآگاهان گفت ساعاتی پس از سرقت خودرو را به خارج از تهران انتقال دادم و نوزاد را درحالی‌که داخل خودرو بود، در یکی از خیابان‌های شهرستان پاکدشت رها کردم. متهم دیگر پرونده نیز ادعا کرد ساعاتی پس از این حادثه با پلیس تماس گرفته و محل خودرو را به آنها اعلام کرده است. در نهایت کارآگاهان به نشانی‌ای که این متهمان در اختیار آنها قرار داده بودند، مراجعه کردند و متأسفانه با جسد بی‌جان این کودک ربوده‌شده مواجه شدند. به‌این‌ترتیب کیفرخواست علیه آنها صادر و پرونده برای رسیدگی در اختیار شعبه نهم دادگاه کیفری استان تهران قرار گرفت. گفت‌وگوی کوتاه متهم ردیف اول با خبرنگار «شرق» را می‌خوانید.

**چرا مرتکب قتل بنیتا شدی؟**

من قصد کشتن این کودک را نداشتم و اگر پرونده رسانه‌ای نمی‌شد، ما متهم به قتل نبودیم. رسانه‌ها بودند که باعث شدند ما متهم به قتل عمد شویم.

**چرا متهم به قتل عمد شده‌ای؟**

من اگر به جایی برسم که بتوانم خودکشی کنم، این کار را خواهم کرد. من نمی‌گذارم کارم به قصاص بکشد و قبل از اینکه اتفاقی بیفتد، خودکشی می‌کنم. (متهم با اشاره به گلویش) پایم به زندان برسد، کار را تمام می‌کنم.

## پرونده قتل اعضای یک خانواده در دیوان عالی کشور

**شرق:** سه جوان که با انگیزه سرقت دست به قتل اعضای خانواده‌ای زده بودند، به قصاص، حبس و شلاق محکوم شدند. درحال‌حاضر، وکیل یکی از متهمان که کمترین محکومیت را دارد، درخواست اعاده دادرسی را مطرح کرده است.

ساعت ۱۳:۴۵ روز شنبه ۱۷ مهرماه سال ۸۹، در تماس با کلانتری ۱۴ گلسار رشت، قتل‌هایی در خانه شماره ۱۳ خیابان ۱۶۶ ناحیه گلسار رشت اعلام شد و مأموران پس از حضور در محل با سه جسد در وان حمام خانه روبه‌رو شدند. در تحقیقات اولیه، مشخص شد مقتولان اعضای یک خانواده هستند و اجساد را فردی به نام حسن کشف کرده است. او در تحقیقات اولیه به مأموران کلانتری گفت: روز گذشته، قرار بود دخترم و همسرش به خانه ما بیایند، اما هرچه منتظر شدیم، از آنها خبری نشد و به تماس‌های تلفنی هم جواب ندادند؛ نگرانی باعث شد به خانه‌شان بیایم. اینجا هم، هرچه در زدم کسی در را باز نکرد، بنابراین از دیوار بالا رفتم و هنگام جست‌وجوی خانه اجساد دختر، داماد و نوه‌ام را در وان حمام پیدا کردم. مأموران پس از ثبت اظهارات این مرد به بررسی صحنه قتل پرداختند و دیدند دهان مقتولان با پارچه و دست و پایشان نیز با کابل بسته شده است. پس از بررسی صحنه قتل و تصویربرداری از محل جرم، متخصصان پزشکی قانونی اجساد را معاینه کردند و در بررسی جسد پدر خانواده که مردی حدودا ۴۰ساله بود، بریدگی گردن و قطع عناصر حیاتی و عوارض ناشی از آن علت فوت تشخیص داده شد. دومین قربانی پسر ۱۷ساله خانواده به نام پرهام بود و علت مرگش فشار به عناصر حیاتی گردن و عوارض ناشی از آن تشخیص داده شد، اما چند بریدگی مشهود نیز در گردن و صورت او وجود داشت. سومین جسد هم مادر خانواده بود که کشیدن کیسه پلاستیکی روی سر و صورت و انسداد راه‌های تنفسی او و خفگی منجر به فوت او شده بود.

اجساد پس از تحقیقات لازم به پزشکی قانونی انتقال یافت، اما با جمع‌بندی مدارک موجود در صحنه جنایت سر نخی از قاتل یا قاتلان به دست نیامد و تمهیدات بازپرسی و اقدامات پلیسی برای شناسایی و دستگیری هر مظنونی تا یک ماه و چند روز پس از کشف اجساد بدون نتیجه بود. با وجود این، پرونده روی میز کارآگاهان بود تا اینکه ۲۲ آبان‌ماه همان سال مأموران پاسگاه انتظامی لاکان به رئیس پلیس آگاهی رشت اعلام کردند ساعت ۴:۳۰ امروز چند نفر با یک دستگاه خودروی پیکان به پاسگاه آمدند و راننده خودرو با معرفی فردی به نام سجاد گفت، چند روز است با او دوست شده‌ام، ساعت ۲۲ دیشب در دروازه لاکان قرار داشتم و سجاد از من خواست چند فقره چک مسروقه را برایش وصول کنم.

بنابراین سجاد دستگیر شد و در بازجویی‌ها گفت چک‌های مسروقه در هنگام قتل از مقتولان سرقت شده است. او ابتدا قسمتی از واقعیت را بیان کرد و در ادامه تمامی حقیقت را گفت و اعتراف کرد: با همدستی برادرم، سبحان و شایان، روز پنجشنبه ۱۵ مهرماه به بهانه دوستی با پرهام وارد خانه آن خانواده شدیم و پس از بستن دست‌ها و پاهای مادر و فرزند منتظر آمدن پدر خانواده ماندیم. وقتی پدر خانواده هم آمد، ابتدا او و بعد همسر و فرزندش را کشتیم و اجسادشان را داخل وام حمام گذاشتیم و نیمه‌شب با سرقت ۱۶میلیون‌و ۸۰۰ هزار ریال موجودی کارت عابربانک و وجه نقد و کارت سوخت و سه دستگاه گوشی تلفن همراه و ۸۷ فقره چک، خانه مقتولان را ترک کردیم. متعاقب اعتراف سجاد، دو همدست دیگرش نیز دستگیر شدند و از آنها نیز درباره نحوه ورود به قربانگاه و نحوه قتل‌ها و سرقت اموال تحقیق شد که آنها اظهارات سجاد را تأیید کردند. در نهایت، معلوم شد برادرزاده پدر خانواده پیشنهاد سرقت و قتل را داده است.

این متهم که شایان نام دارد در بازجویی‌ها گفت: سجاد و سبحان دوستان من هستند. از نظر مالی مشکلات زیادی دارند، من خبر داشتم که عمویم، فرزاد، وضع مالی خوبی دارد، برای همین پیشنهاد سرقت را مطرح کردم و نقشه کشیدیم به خانه عمویم برویم. عصر روز حادثه ۱۵ مهرماه سال ۸۹، من به خانه سجاد و سبحان که برادر هستند، رفتم. مدتی آنجا صحبت کردیم و سبحان برای خرید وسایل مورد نیاز از خانه بیرون رفت.

این متهم پس از تشریح نحوه ورود به خانه، درباره نحوه قتل عموی خود، فرزاد، گفت: «وقتی ما برای سرقت وارد شده بودیم، عمو فرزاد و زن عمو دائم صحبت می‌کردند، به همین دلیل سجاد به سبحان گفت، عمویم را از اتاق بیرون ببرد، سبحان عمویم را بلند کرد و به طرف پذیرایی برد که عمو در حین خروج در را کشید و دست سبحان لای درگیر کرد و آسیب دید. بعد از آن، سجاد و سبحان او را داخل پذیرایی بردند، ولی سبحان تنها به اتاق برگشت و بعد از مدتی صدای سجاد و بعد هم صدای آب آمد. زن‌عمو پرسید صدای آب برای چیست؟ گمانم سجاد رفته بود فرزاد (عمویم) را خفه کند. بعد از ۱۰ دقیقه، سجاد به من گفت برویم سراغ زن‌عمویت. من پای او را نگه داشتم و سجاد کیسه پلاستیکی را سر او کشید. بعد سجاد گفت برویم سراغ پرهام و او را هم بکشیم، اما من گفتم او را نکشیم که سجاد گفت او همه چیز را دیده، پس باید او را هم بکشیم. قرار شد من دست و پای او را بگیرم و سجاد و سبحان سیم را دور گردنش بیندازند و خفه‌اش کنند. اما سجاد به من و سبحان گفت پرهام را شما باید بکشید. سبحان تکه‌ای سیم آورد، سیم را دور گردن پرهام انداخت و یک طرف آن را به من داد و طرف دیگر را خودش نگه داشت و گفت سیم را بکشیم. در آن هنگام که سجاد از اتاق بیرون رفت و برگشت، پرسید تمام شد؟ سبحان گفت من انگشتم درد می‌کند و دیگر نمی‌توانم بکشم، به همین دلیل سجاد آمد و سیم را گرفت و گفت شما او را نگه دارید. سپس خودش کار را تمام کرد. بعد هم اجساد را داخل وان انداختیم و قبل از خروج برای اطمینان از مرگ آنها چند ضربه با قلیان به آنها زدیم. حتی قتل عمویم را قبول ندارم، من چاقو زدم و گلویش را بریدم ولی تصور می‌کردم قبلا مرده است. سجاد به من گفت عمویت را داخل آب خفه کردم، بعد از خفه‌کردن سجاد گفت برو ببر، من هم بریدم.

پس از تکمیل تحقیقات، کیفرخواست متهمان صادر شد و سه متهم با اتهامات سه فقره قتل عمد، شروع به قتل و معاونت در قتل عمدی و شرکت در سرقت ۱۶میلیون‌و ۸۰۰ هزار ریال موجودی کارت عابربانک و وجه نقد و کارت سوخت و سه دستگاه گوشی تلفن همراه و ۸۷ فقره چک در شعبه دادگاه کیفری استان گیلان حاضر شدند که قضات در پایان با شنیدن کیفرخواست، تقاضای اولیای دم برای قصاص و دفاعیات متهمان به اتفاق آرا و با توجه به دلایل موجود در پرونده، سجاد و شایان را بزهکار و شایسته تحمیل عقوبت تشخیص دادند.

به‌این‌ترتیب، سجاد به سبب قتل پرهام و ساری، به دو بار قصاص نفس پس از پرداخت تفاضل دیه و به سبب معاونت در قتل فرزاد، به ۱۰ سال حبس و به سبب شرکت در سرقت به تحمل ۷۴ ضربه شلاق و سه سال حبس و رد یک‌سوم بهای اموال مسروقه در حق اولیای دم محکوم کردند. قضات همچنین متهم ردیف دوم را به سبب قتل عمدی فرزاد به یک‌بار قصاص نفس و به سبب دو فقره معاونت در قتل عمدی ساری و پرهام از طریق نگه‌داشتن آنها به دو بار حبس ابد و برای شرکت در سرقت به تحمل سه سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق و پرداخت یک‌سوم بهای اموال مسروقه محکوم کردند. همچنین، سبحان - متهم ردیف سوم - به حبس ابد به دلیل معاونت در قتل از طریق نگه‌داشتن پرهام، ۱۰ سال حبس تعزیری از جهت معاونت در قتل عمدی ساری و فرزاد و سه سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق و رد یک‌سوم اموال مسروقه محکوم شد. رأی صادرشده پس از ابلاغ با اعتراض متهمان در دیوان عالی کشور بررسی، اما عینا تأیید شد. درحال‌حاضر در جدیدترین اتفاق، وکیل سبحان تقاضای پذیرش درخواست اعاده دادرسی را نسبت به حکم قطعی محکومیت موکلش مطرح کرده است. او به سن موکلش که زمان وقوع جرم ۱۶ سال و شش ماه و ۱۰ روز بود، اشاره کرده و خواستار محاکمه دوباره او شده است تا این جوان به مجازاتی سبک‌تر از حبس ابد محکوم شود.

## سرنوشت نامعلوم آدم‌ربایانی که ربوده شدند

**شرق:** دو نفر از چهار مرد آدم‌ربایی که متهم به ربایش دو برادر شده بودند، قرار بود روز گذشته محاکمه شوند؛ اما مشخص شد آنها خودشان ربوده شده‌اند.

به گزارش خبرنگار ما، یک سال قبل، جوانی به مأموران پلیس خبر داد دو نفر از اقوامش از سوی چند مرد آدم‌ربا دزدیده شده‌اند. او به مأموران گفت: ساعاتی قبل پیامکی از تلفن همراه یکی از اقوامم به نام کریم برایم آمد که در آن نوشته بود کریم و عباس - که هر دو برادر هستند- دزدیده شده‌اند و آدم‌ربایان برای آزادی آنها از من درخواست پول کردند. من هم بلافاصله موضوع را به مأموران گزارش دادم. با توجه به شکایت مطرح‌شده، مأموران تحقیقات خود را آغاز کردند و موفق شدند از طریق پیامک ارسالی، محلی را که آدم‌ربایان قرار داشتند، شناسایی کنند و علاوه بر آزادکردن ربوده‌شدگان، چهار متهمی که مرتکب آدم‌ربایی شده بودند را نیز بازداشت کردند.

آدم‌ربایان ضمن اعتراف به جرم خود، گفتند: ما می‌خواستیم کمی پول به دست بیاوریم و از آنجایی که دو برادر افغانستانی بودند و ما می‌دانستیم آنها برای کار به ایران آمده‌اند و پول دارند، تصمیم به این کار گرفتیم. با توجه به مدارک موجود، کیفرخواستی علیه متهمان صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. روز گذشته متهمان پای میز محاکمه رفتند و در شعبه چهار دادگاه کیفری استان تهران، به ریاست قاضی عبداللهی، محاکمه شدند. زمانی که جلسه رسیدگی آغاز شد، دو نفر از متهمان حضور نداشتند. قاضی از دو متهم حاضر خواست تا درباره اینکه چرا همدستانشان نیستند، توضیح دهند. یکی از آنها گفت: دو نفر دیگر ۴۰ روز پیش با قرار وثیقه آزاد شده‌اند و بیرون از زندان بودند تا اینکه شنیدیم چند روز پیش به دست چند مرد افغانستانی دیگر ربوده شده‌اند و اقوام آنها دنبال این هستند که بتوانند پولی را که آدم‌ربایان خواسته‌اند، جور کنند. مرد متهم گفت: تاجایی‌که من می‌دانم، خانواده دو افغانستانی ربوده‌شده به ما گفته‌اند موضوع را به پلیس هم گزارش دادند؛ اما هنوز ردی از آنها به دست نیامده است.

با توجه به آنچه متهمان گفتند، جلسه رسیدگی به این پرونده تجدید شد و قضات ادامه رسیدگی را منوط به مشخص‌شدن تکلیف دو متهم دیگر کردند.

رخداد

## دستگیری سارق لوازم داخل خودرو در پایتخت

● **پلیس:** رئیس کلانتری۱۳۱ شهر ری از دستگیری یک سارق لوازم داخل خودرو و اعتراف وی به ۱۲۰ فقره سرقت لوازم خودرو خبر داد. سرهنگ «محمد کالوسی» بیان کرد: با توجه به افزایش سرقت لوازم خودرو در محدوده شهر ری عوامل تجسس نیمه‌شب فردی را در حال بازکردن در خودرو پراید مشاهده و دستگیر کردند. وی افزود: این فرد در بازجویی‌های صورت‌گرفته به سرقت لوازم خودرو اعتراف و اعلام کرد حدود یک ماه قبل از زندان آزاد شد و پس از آزادی هر شب سه تا چهار عدد باتری و ضبط پراید مدل پایین و فاقد دزدگیر را سرقت می‌کرده است. سرهنگ کالوسی عنوان کرد: متهم به ۱۲۰ فقره سرقت لوازم خودرو اعتراف کرد و گفت پس از سرقت، لوازم را به فردی به نام «جلال» فروخته است.

## سارق گوشی‌های تلفن همراه به دام افتاد

● **پلیس:** با تلاش پلیس آگاهی شهرستان قوچان سارق تلفن‌های همراه و دو همدستش شناسایی و دستگیر شدند. سرهنگ «رضا قدمگاهی»، فرمانده انتظامی شهرستان قوچان گفت: در پی گزارش سرقت از یک فروشگاه گوشی‌های همراه در مرکز شهر قوچان، تیمی از پلیس آگاهی این فرماندهی وارد عمل شد. وی افزود: در بررسی‌های به‌عمل‌آمده در محل سرقت مشخص شد سارق با نفوذ شبانه به داخل فروشگاه تعداد ۱۲۰ دستگاه گوشی همراه و تبلت را به ارزش تقریبی یک‌میلیاردو ۵۰۰ میلیون ریال سرقت کرده است. وی تصریح کرد: کارآگاهان پلیس آگاهی پس از بررسی دقیق محل سرقت و انجام تحقیقات گسترده میدانی، مردی جوان را شناسایی کردند که در حال فروش یکی از گوشی‌های مسروقه بود. سرهنگ قدمگاهی بیان کرد: این فرد پس از دستگیری در مواجهه با ادله و مستندات پلیس اظهار کرد گوشی همراه مسروقه را از شخصی دیگر خریده و فروشنده ادعا کرده گوشی از شهرستان بانه آورده شده و هیچ مشکلی ندارد. در ادامه عملیات و با راهنمایی وی، فروشنده گوشی مسروقه شناسایی شد و مأموران در عملیاتی ضربتی او را دستگیر و در بازرسی از مخفیگاهش ۲۰ دستگاه تبلت و گوشی همراه مسروقه کشف کردند. وی بیان کرد: متهم در بازجویی‌های پلیس به خرید اموال مسروقه از فردی سابقه‌دار اعتراف کرد. فرمانده انتظامی شهرستان قوچان عنوان کرد: در ادامه این عملیات سارق که چندین فقره سرقت در پرونده‌اش دیده می‌شد، در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر شد. متهم که در بازجویی‌های اولیه منکر هرگونه جرمی بود در مواجهه با ادله و مستندات کشف‌شده به سرقت اعتراف کرد و با راهنمایی وی تلفن‌های مسروقه نیز از منزل برادرش کشف و تحویل مال‌باخته شد.

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی
شرکت پالایش نفت آبادان(سهامی عام)

نوبت دوم

**فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه گران(عمومی دو مرحله‌ای)**

**شماره آگهی مناقصات: ۱۱/ L / ۹۶**

شماره مجوز: ۲۱۷۴-۹۶

**شرکت پالایش نفت آبادان در نظر دارد کالای موضوع مناقصات جدول ذیل را با مشخصات و شرایط کلی مشروحه از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای از سازندگان و تأمین کنندگان معتبر خریداری نماید**

| ردیف | شماره مناقصه | شرح کالا | تعداد اقلام | مبلغ ضمانتنامه به ریال | خدمات امتیاز ارزیابی کیفی | ساعات بازگشایی پاکات فنی | تاریخ گشایش پاکات(الف و ب) شرکتهای تایید شده در ارزیابی کیفی |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | 40-90-9542400925/P10 | تعمیرات ابزار دقیق SPA | ۲ | ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۶۵ | ۱۶/۳۰ | ۱۳۹۶/۰۶/۰۵ |
| ۲ | 40-90-9642400971/P10 | FLUKE | ۷ | ۱۰۵/۰۰۰/۰۰۰ | ۶۰ | ۱۵/۳۰ | ۱۳۹۶/۰۸/۰۷ |
| ۳ | 40-90-9441800054/P7 | لیفتراگ برقی | ۱ | ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۶۰ | ۱۶/۰۰ | ۱۳۹۶/۰۷/۰۵ |
| ۴ | 40-90-9443500311/P7 | کولر دو تیکه | ۵ | ۲۸۷/۵۰۰/۰۰۰ | ۶۰ | ۱۵/۳۰ | ۱۳۹۶/۰۸/۰۷ |
| ۵ | 38-90-9214000030/S02 | SET OF U TUBE CRI | ۲ | ۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۶۰ | ۱۷/۰۰ | ۱۳۹۶/۰۷/۲۸ |
| ۶ | 48-90-9512231/G14 | شیلنگ آتش نشانی | ۱ | ۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰ | ۶۰ | ۱۶/۰۰ | ۱۳۹۶/۰۸/۱۰ |
| ۷ | 01-90-9532029/G16 | عاسق دور لوله | ۱ | ۲۳۲/۵۰۰/۰۰۰ | ۶۰ | ۱۶/۳۰ | ۱۳۹۶/۰۸/۱۰ |

از کلیه شرکت های واجد شرایط که آمادگی و توانایی انجام موضوع مناقصه/ مناقصات مذکور را دارند دعوت می‌شود اسناد استعلام ارزیابی کیفی مناقصه گران (دفترچه شماره ۲ و معیارهای ارزیابی کیفی) به انضمام سایر اسناد مناقصه (متن قرارداد شامل: موافقتنامه ، شرایط عمومی و خصوصی و شرایط شرکت در مناقصه، فرم تقاضا PMR و فرم معیارهای ارزیابی فنی) موجود در شبکه اطلاع‌رسانی این شرکت به نشانی http://www.abadan-ref.ir را دریافت، پس از مطالعه و تکمیل به همراه کلیه مدارک مورد نیاز، اسناد مناقصه مربوطه وفق برنامه زمان‌بندی فوق به کمیسیون مناقصات شرکت پالایش نفت آبادان تحویل نمایند.

● **محل تشکیل جلسات و بازگشایی پاکات:** آبادان- سازمان دفتر مرکزی (جنرال آفیس) - طبقه دوم- سالن جلسات کمیسون مناقصات

● **تکمیل کلیه اطلاعات خواسته شده در فرم‌های ارزیابی کیفی:** مناقصه‌گران به صورت دقیق و خوانا و ارسال تمامی مدارک و مستندات سوابق کاری و مالی و ... مربوطه به صورت کپی برابر اصل (مصدق شده) که به امضای صاحبان امضاء مجاز رسیده و ممهور به مهر شرکت متقاضی باشد. در پاکت سربسته الزامی است، در صورت عدم تکمیل و ارسال اسناد استعلام ارزیابی کیفی و سایر مدارک فوق‌الاشاره ، صلاحیت شرکت‌کنندگان قابل بررسی نخواهد بود.

● **نحوه ارزیابی کیفی و معیارهای مورد نظر، به شرح مندرج در فرم‌های مربوطه و پیوست اسناد استعلام ارزیابی کیفی مناقصه‌گران فوق‌الذکر می‌باشد.**

● ارائه مدارک و سوابق مزبور هیچگونه حقی را برای متاقضبان ایجاد نخواهد کرد و سایر اسناد و مدارک در صورت عدم تأیید در هرکدام از مراحل مناقصه به صورت سربسته عودت می‌گردد.

● پس از ارزیابی کیفی و مشخص شدن لیست کوتاه مناقصه / مناقصات مذکور، به شرکت‌های تأیید شده در خصوص ارسال پاکات الف ب ج تا موعد مقرر در آگهی و اسناد مناقصه اطلاع‌رسانی خواهد شد.

● **آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه/ مناقصات از سامانه اینترنتی پالایشگاه:** ۱۵ روز پس از انتشاز آگهی نوبت دوم

● **آخرین مهلت تحویل دفترچه تکمیل شده شماره ۲ به انضمام اسناد مصدق شده کپی برابر اصل مورد نیاز:** ۱۵ روز پس از آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه

● پیشنهاد فنی می‌بایست مطابق با فرم (PMR) و بر اساس فرم معیارهای ارزیابی فنی تهیه و ارسال گردد.

● نرخ پیشنهاد دهندگان بایستی مقطوع بوده و شامل کلیه هزینه‌های مربوطه از جمله مالیات بر ارزش افزوده( به طور مجزا در پیشنهاد مالی درج گردد) و هزینه حمل باشد و همچنین در برگه پیشنهاد نرخ مدت اعتبار نرخ(۳ ماه) محل تحویل کالا (پالایشگاه آبادان) و مدت زمان تحویل کالا (با استناد به اسناد مناقصه) درج گردد.

● تاریخ بازگشایی پاکات مالی متعاقباً در جلسه بازگشایی پاکات فنی اعلام خواهد شد و شرکت‌های که پیشنهاد فنی آنها حائز حداقل امتیاز فنی گردد می‌توانند ۷۲ ساعت قبل از بازگشایی پاکات مالی نسبت به ارسال نرخ اصلاحی اقدام نمایند. ضمن اینکه مراتب تأیید/ عدم تایید از طریق نمابر اطلاع‌رسانی خواهد شد.

● ضمناً آگهی این شرکت در شبکه اطلاع‌رسانی شانا به نشانی: www.shana.ir و همچنین پایگاه اطلاع‌رسانی این شرکت به نشانی http://abadan-ref.ir و نیز پایگاه اطلاع‌رسانی مناقصات به نشانیIETS.MPORG.IR و سامانه کشوری نظارت بر مناقصات دستگاه‌های اجرایی www.tender.bazresi.ir درج و قابل مشاهده می‌باشد

**تاریخ چاپ آگهی نوبت اول: ۹۶/۰۵/۲۱ و تاریخ چاپ آگهی نوبت دوم ۹۶/۰۵/۲۴**

**روابط عمومی– شرکت پالایش نفت آبادان**